

عوامل مؤثر در تحول ساخت زراعی

مطالعه موردی چابهار

دکتر حسن افراخته*



چکیده

در شرایط موجود کشور ماکشاورزی به عنوان یکی از محورهای توسعه شناخته می‌شود که گسترش آن با تنگنانهایی روبه‌روست مهمترین هدف مقاله حاضر آن است که ویژگیهای نظام زراعی و عوامل مؤثر در آن را شناسایی کند. برای این منظور نخست اطلاعات مربوط به نظام زراعی با بررسی میدانی در ناحیه چابهار جمع‌آوری می‌شود آنگاه داده‌ها به کمک اسناد و مدارک مربوطه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در انتها مقاله چنین نتیجه می‌گیرد که نظام زراعی ناحیه ویژگیهای توسعه نیافتگی را داراست و نظم اقتصادی و نقش تعیین‌کننده نهاده‌ها، مهمترین عامل توسعه پایدار است که در ناحیه مورد غفلت قرار گرفته است.

* استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان گروه جغرافیا.

طرح مسئله

در شرایط موجود، بخش کشاورزی مرکز ثقل و محور توسعه شناخته می‌شود (۱) و همانگونه که «مایکل تودارو» اعتقاد دارد، اگر قرار است توسعه انجام گیرد و خود پایدار باشد، باید به طور اخص از بخش کشاورزی آغاز شود (۲)، تا فقر و نابرابری و بیکاری از بین رفته و توسعه متعادل و متوازن حاصل شود. توسعه کشاورزی در کشور ما با موانع و تنگناهایی روبه‌روست و رفع تنگناها و عقب‌ماندگیها مستلزم شناخت عوامل مؤثر در آن تنگناهاست. بنابراین لازم است مشخص بشود چه عواملی در تحول و به احتمال توسعه نیافتگی کشاورزی کشور ما اثر دارد. گرچه دست کم در شرایط علمی موجود نمی‌توان به یک عامل مسلط اشاره کرد و آن را مطلق دانست، ولی در این مورد عواملی چون نبود سرمایه، رشد جمعیت، دسترسی نداشتن به فن‌آوری و دانش فنی و سرانجام اقتصاد نهادی مطرح است که تأثیر هر یک در توسعه کشاورزی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

هدف تحقیق

هدف پژوهش حاضر آن است که با جمع‌آوری داده‌های میدانی در ناحیه چابهار، این فرضیه را بیازماید که «اقتصاد نهادی» و اجزای آن (ساخت نهادهای سیاسی، سیستم قوانین و سیستم اقتصادی) نقش اصلی را در توسعه نیافتگی کشاورزی (تحول ساخت زراعی چابهار) به عهده دارد.

ارزش تحقیق

این بررسی می‌تواند به عنوان پژوهشی کاربردی در توسعه کشاورزی ناحیه و کشور مورد استفاده برنامه‌ریزان قرار گیرد و از آنجا که این پژوهش به طور تلویحی به نقش بندر آزاد تجاری چابهار در این امر می‌پردازد می‌تواند در برنامه‌ریزی توسعه پایدار مورد استفاده قرار گیرد.

روش تحقیق

این پژوهش به داده‌های میدانی متکی است. برای این منظور از سراسر ناحیه چابهار بازدید به عمل آمده و ویژگیها و مشخصات ساخت زراعی ناحیه از نزدیک مطالعه شده است. در تحلیل داده‌ها علاوه بر یافته‌های میدانی از بعضی اسناد و مدارک نیز استفاده شده است.

نتیجه تحقیق

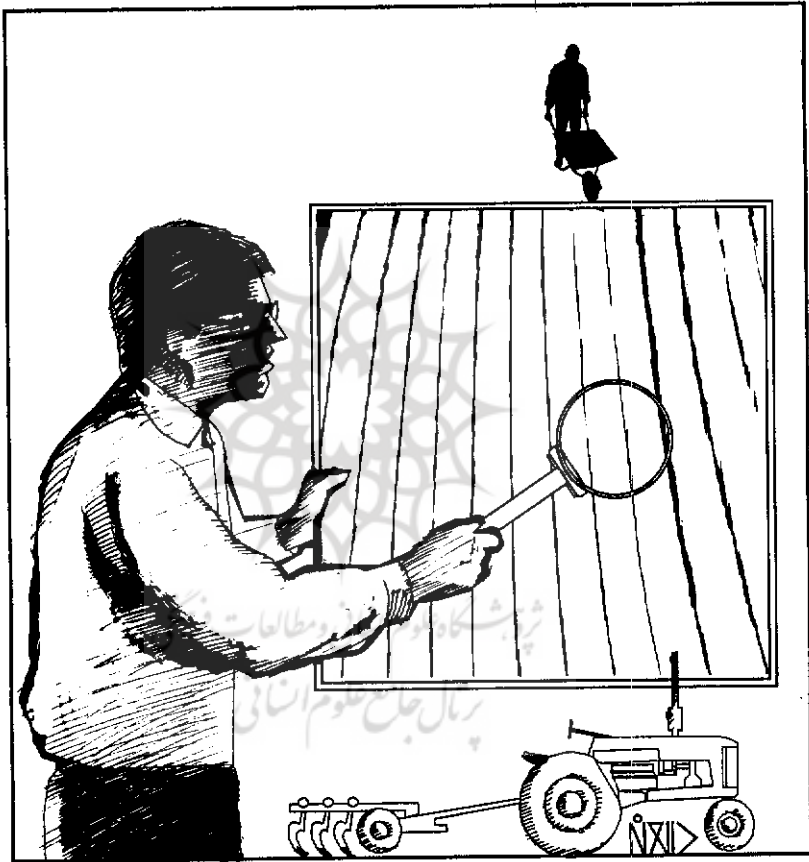
اقتصاد نهادی (ساختهای سیاسی، سیستم قوانین و نظام اقتصادی) نقش با اهمیتی در توسعه نیافتگی کشاورزی ناحیه به عهده دارد.

ساختار زراعی ناحیه چابهار

مقدمه

ساخت زراعی^۱ عبارت است از مجموعه همبستگیهای پردوام و عمیق که میان انسان و زمین وجود دارد و مناظر روستایی بیانگر آن است. در مطالعه ساخت زراعی سه عنصر شیوه کشت (نظام زراعی)، مرفولوژی زراعی و مجموعه مساکن که مبین شکل مشخص نحوه اشتغال زمین و درک سازمان قلمرو زراعی در پهنه زمین است، ضروری است (۳).

نظام زراعی از اجتماع و اشتراک کشتهای مختلف در یک بهره‌برداری شکل می‌گیرد که بین خود پیوندهایی به صورت همزیستی، اتکایی و جانشینی برقرار می‌سازد (۴). این شیوه همکاشتی گیاهان را که یک جامعه روستایی به منظور استفاده بیشتر از زمینهای خود انتخاب می‌کند و نیز دوران کشتها و فنونی را که با کشت این گیاهان بستگی دارد، «شیوه کشت» می‌نامند (۵).



عوامل مؤثر در ...

مرفولوژی زراعی به نقشه‌ها و چهره‌های قطعات و راههای مورد استفاده و آرایشهای نسبی مزارع و جنگلها و چراگاهها در داخل یک قلمرو زراعی اطلاق می‌شود. منظور از مسکن یعنی خانه روستایی و ضامن آن که دارای نقشهای تولیدی و سرپناهی است (۶). با این مقدمه ساخت زراعی ناحیه چابهار مورد بررسی قرار می‌گیرد. این ناحیه در جنوب شرقی کشور، و جنوبی‌ترین شهرستان استان سیستان و بلوچستان است.

الف. نظام زراعی

سیاهه کشت، پراکندگی انواع کشت و فعالیتهای جنبی

کشت اصلی ناحیه غلات است اما سیاهه کشت متأثر از عوامل مختلفی بوده و سه قلمرو زراعی متفاوت در ناحیه قابل تفکیک است.

- قلمرو زراعی دشتیاری با کشت دیمی ذرت، جو، ماش، و کشت میوه‌های موز، پرتغال، لیموترش، نارنگی و گوجه‌فرنگی در نقاطی مثل گرم بیت^۱ و عورکی^۲.
- قلمرو «کهیر» با کشتهای آبی و باغداریهای زیتون، موز، انبه، خرما، سبزی و هندوانه کاری.

- قلمرو زراعی «زرآباد» با کشتهای دیمی گندم و جو در کنار کشت آبی خرما، گندم، نباتات جالیزی، گوجه‌فرنگی و پیاز در غرب ناحیه که در سالهای اخیر بتدریج کشتهایی نظیر موز و مرکبات با استفاده از آبهای زیرزمینی رایج می‌شود.

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که هنوز غلات شامل گندم، جو، ذرت و ماش ۸۶/۳۰ درصد از کل سطح زیرکشت را به خود اختصاص داده است. اما از این مجموع فقط ۰/۰۷۳ به کشت گندم اختصاص دارد و گندم به دلیل محدودیت فصل زراعی به تبعیت از محدودیت بارندگی امکان کشت نداشته و مقرون به صرفه اقتصادی نیست.

خرما از محصولات اولیه سابق ناحیه فقط ۱/۱۷ درصد سطح زیر کشت را داراست. در

1. garmbit

2. degar

مقابل شاهد رشد تدریجی صیفیجات (۵/۵ درصد)، سبزیجات (۳/۸۱ درصد) و مرکبات و میوه‌جات تجاری نظیر موز، لیمو و ... (۱/۸۶ درصد) هستیم.

جدول شماره ۱. سطح زیرکشت محصولات در سال زراعی ۶۷ - ۷۷ در ناحیه چابهار

نوع محصول	خرما	غلات	علوفه
سطح زیرکشت به هکتار	۷۷۲	۵۷۰۶۳	۸۵۱
درصد	۱/۱۷	۸۶/۳	۱/۲۸
صیفی	حبوبات	سبزیجات	مرکبات
۳۶۴۷	۳۹	۲۵۱۶	۴۸۷
۵/۵	۰/۰۶	۳/۸۱	۰/۷۵
موز و میوه‌های گرمسیری	تنباکو	جمع	
۷۲۶	۹/۷	۶۶۱۱۰/۷	
۱/۱۱	۰/۰۲	۱۰۰	

مأخذ: اداره کشاورزی

از طرف دیگر جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که کل سطح زیرکشت ناحیه نسبت به سال ۱۳۷۴، ۳۴/۶۲ درصد رشد داشته است گرچه به دلیل غلبه کشت دیم و نوسان شدید مقدار آن بر حسب تغییرات میزان بارش، این آمار نمی‌تواند گویایی لازم را داشته باشد، زیرا حدود ۸۹/۲ درصد از سطح زیرکشت ناحیه را کشت دیم تشکیل می‌دهد، اما مطالعات میدانی نشان می‌دهد که در ناحیه «عورکی»، «گرم بیت» و «کهیر» شاهد افزایش کشت محصولات تجاری نظیر موز، صیفیجات، مرکبات، و میوه‌های گرمسیری نظیر زیتون هستیم.

جدول شماره ۲. رشد سطح زیرکشت ناحیه چابهار در سالهای ۱۳۷۴ - ۷۷

سال	۱۳۷۴	۱۳۷۷	درصد رشد
سطح زیرکشت به هکتار	۴۹۱۰۷/۳	۶۶۱۱۰/۷	۳۴/۶۲

منبع اداره کشاورزی چابهار

صید و صیادی فعالیت مشترک کلیه سکونتگاههای ناحیه چابهار و شغل بیشتر مردم سکونتگاههای مستقر در سواحل نظیر گواتر، بریس، پسابندر، رمین، چابهار، طبس، کنارک، پزم و تنگ است. این سکونتگاهها در طول ۱۰ ماه از سال به صید و صیادی در دریای عمان مشغولند و در ماه تیر و مرداد به دلیل وزش بادهای موسمی و توفان دریا صیادی محدود می شود و ماهیگیران به مرمت شناورها و تورهای صیادی می پردازند.

علاوه بر صیادی، دامداری نیز از دیگر فعالیتهای جنبی مکمل کشت در ناحیه است و به طور تقریب بیشتر خانوادهها چند رأس دام به منظور استفاده از شیر و یا نیروی کار آنها در شخم مزارع و یا حمل بار، نگهداری می کنند.

شیوه کشت

الف. تقویم کشت

کشت و برداشت بیشتر محصولات ناحیه، زمستان و اوایل بهار است که با توجه به اقلیم کشور ما می تواند به صورت نوبر ارائه شود. زیتون را سالی دوبار، بار اول دیماه تا بهمن ماه و بار دوم فروردین می توان محصول آن را برداشت کرد.

محصول خرما از اوایل مرداد تا اوایل مهرماه برداشت می شود (۷). در این ناحیه، آب مهمترین عامل مؤثر در کشاورزی است. در صورتی که تأمین آب میسر باشد، می توان سالی چند بار به کشت پرداخت که این عمل گاهی در مورد کشت ماش و ذرت به روش جانشینی اتفاق می افتد اما به دلیل محدودیت آب، بیشتر زمینهای بدون کشت، چهره غالب قلمرو زراعی را

تشکیل می دهد.

فنون کشت

۱. کشت دیم

کشت دیم در ناحیه چابهار ویژگی خاصی دارد و بدین معنی که کشاورزان پیرامون قطعات زمین را سد خاکی بنا می کنند. مساحت هر قطعه به طور متوسط حدود یک هکتار است این زمینها را «دگار» می گویند. چندین «دگار»^۱ که متعلق به افراد مختلف است، «دگارها»^۲ نامیده می شود. به هنگام بارندگی آب به وسیله جویهای کوچکی به «دگال» هدایت می شود. خاک، آب را جذب می کند. وقتی که آبهای سطحی خشک شد زمین را به منظور کشت شخم می زنند.

برای کشت محصولات دیمی بعد از خشک شدن آبهای سطح «دگار» بوته ها و خارهای زمین کنده می شود. آنگاه دانه در زمین پاشیده می شود. سپس با استفاده از تراکتور یا نیروی گاو و بیل اقدام به شخم زمین می کنند و در نهایت با ماله زمین را صاف می کنند. داشت این نوع محصولات به حراست از آنها در مقابل دام خلاصه می شود: استفاده از تراکتور به مرمت بندهای خاکی «دگار» و گاهی شخم زمینی محدود می شود.

برداشت محصول به وسیله نیروی انسانی صورت می گیرد. از این رو با آنکه اقلیم، کشت دو یا سه نوع محصول در سال را به تناوب میسر می سازد، بیشتر اوقات بعد از یک کشت، زمین بدون استفاده رها می شود و شیوه ابتدایی کشت، بهره برداری از زمین را بسیار محدود ساخته است. نوآوری در پذیرش بذرهایی اصلاح شده دیده نمی شود. در سال ۱۳۷۴ به مناسبت اینکه دو یا سه سال پیش به طور پیاپی کمبود بارندگی، کشت گندم را ناکام گذاشته بود، اهالی بذر گندم خود را که به طور سنتی از محصولات سالیانه کنار گذاشته می شود، از دست داده بودند و بذر لازم برای کشت مجدد را در اختیار نداشتند زیرا بذر موجود در بازار به آب زیادی نیاز دارد و

1. degar

2. dagal

متناسب با این ناحیه کم آب نیست.

۲. کشتهای آبی

خرما با استفاده از پاچوش خود تکثیر می شود. پاچوش را در سال دو بار، یکی در اسفند و دیگری در شهریورماه قطع می کنند و آن را در چاله ای به همین منظور آماده شده می کارند. باردهی اصلی نخل بعد از ۶ سال آغاز می شود و اگر دچار آفت زدگی نشود، تا صد سال دوام می آورد. نخل باید ماهی یکبار آبیاری شود. برداشت محصول خرما به طور معمول از اوایل مرداد ماه تا اوایل مهرماه ادامه می یابد (۸).

خرما پس از برداشت در حلیپهای کهنه روغن و یا کیسه های حصیری و یا پوست بزر ذخیره شده و به معرض فروش گذاشته می شود. چنانکه تجربه ها نشان می دهند، هیچگونه نکات بهداشتی رعایت نمی شود و بسته بندی که مهمترین مرحله نیاز توسعه هر نوع محصول کشاورزی است، در آن جایگاهی ندارد بنابراین مشخص می شود که کشت خرما به مدت سرمایه گذاری را کد طولانی تری نیازمند است و به نیروی انسانی بیشتری احتیاج دارد. درخت زیتون هر ۱۰ الی ۱۵ روز یکبار باید آبیاری شود.

در پای «موز» باید همیشه آب باشد. استفاده از کود شیمیایی و سمهای دفع آفات نباتی در کشت آبی رایج است.

آبیاری، در ناحیه به صورت غرقابی است و با استفاده از آب چاه و به کمک پمپهای آبیاری صورت می گیرد در مواردی نظیر مزارع «عورکی» افزون بر استفاده از آب چاه، از آب رودخانه فصلی نیز به هنگامی که دارای آب باشد، به وسیله نهرهای فرعی، آب به مزارع آورده می شود.

برداشت آب از چاههای «عورکی» در مدت ۲۰ سال منجر به شوری آب شده است. در ناحیه «پیتی»^۱ که از دو سال پیش در آنجا کشت موز و سبزی آغاز شده است، از آب چاههای

1. piti

عمیق به عمق ۴۰ متر، و همچنین از آب رود کاجو نیز به وسیله پمپ و نهرهای فرعی استفاده می‌شود. در حقیقت این آب، سرریز آب سد پیشین است که به داخل رود تخلیه می‌شود و دارای دبی منظمی نیست. بنابراین از نظر آبرسانی برای کشاورزان تضمینی وجود ندارد. چاههای ناحیه کهیر که از سیلابهای رود کهیر، تغذیه می‌شود، هنوز دارای آبدهی مطلوبی بوده و در آبیاری درختان زیتون، انبه، و موز از آنها استفاده می‌شود. نوآوری در کشت ناحیه در نقطه‌هایی مثل عورکی و کهیر دیده می‌شود که رابطه معنیداری با آموزش نیروی انسانی، گسترش حمل و نقل و در نهایت گسترش بازار دارد.

نظام مالکیت

در ناحیه نوعی مالکیت قبیله‌ای حاکم است و خانواده‌ها دارای زمینهای معینی هستند اما این تفکیک مالکیت، فاقد سند رسمی بلکه جنبه عرفی دارد. اگر هم زمینی دارای سند رسمی باشد به دو دلیل در مالکیت مشاعی باقی می‌ماند. نخست اینکه تقسیم اراضی «دگار» نیازمند مرزبندی و احداث جویهای جداگانه و در نتیجه هزینه زیادی است که این کار ارزش اقتصادی ندارد.

دوم آنکه اگر این زمین دارای ۱۰ نفر مالک باشد، دست‌کم یک نفر از شرکا در خارج از کشور (مسقط، پاکستان) زندگی می‌کند که به این ترتیب تفکیک ثبتي زمینها ناممکن خواهد بود. اصلاحات ارضی رژیم سابق در ناحیه به اجرا در نیامده است. طبق بررسی مدارک موجود در اداره کشاورزی چابهار، در سال ۱۳۴۲، مأموران اصلاحات ارضی در جهت اجرای مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی به روستاها رفته‌اند و با آنها صورت جلسه‌ای تنظیم کرده که به طور مثال در روستای فلان هر یک از افراد چند قطعه زمین (بین ۲ الی ۵ زمین) دارند که به طور شخصی روی آن کار می‌کنند. بنابراین اجرای قانون محلی، ندارد. این صورت جلسه نشان می‌دهد که مساحت زمینها بر حسب هکتار مشخص و معین نیست و از مساحت زمینها بر حسب قطعه یادی می‌کنند که می‌تواند دارای مساحت بسیار متغیری باشد. در رابطه با مفاد صورت

عوامل مؤثر در ...

جلسه تنظیمی سه نکته را می‌توان یادآور شد. نخست اینکه مهاجرتهای دسته جمعی زمانهای گذشته مردم ناحیه به کشورهای حوزه خلیج فارس و پاکستان، تناسب زمین و جمعیت را به نفع زمینها تغییر داده، بخصوص که کمبود آب زراعی از ارزش زمینها می‌کاست. در نتیجه تمامی خانواده‌های موجود در صورت تمایل به کار زراعی، زمین را در اختیار داشته‌اند. دوم آنکه رعایای موجود به دلیل نفوذ مالکان زمین و فرهنگ حاکم بر جامعه توان و جرأت ادعای مالکیت بر اراضی را نداشته‌اند و سرانجام آنکه رژیم شاه درگیری با خوانهای محلی و تحریک آنان را به صلاح ندانسته و مأموران به گفته شفاهی افراد محلی، که در اینجا رعیت نداریم به طور عمدۀ اکتفا کرده‌اند. اجرای قانون اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی ایران هم به زمینهای بند «الف» محدود شده و در کهیر، عورکی، زرآباد، ۱۳ واحد به مساحت هر یک بین ۱۰ الی ۱۰۰ هکتار به صورت مشاع به افراد واگذار شده است.

هیچنین حدود ۳۰۰۰ خانوار دارای زمینهای کشاورزی در شهر چابهار ساکنند که زمینهای خود را شخصاً در فصلهای کشاورزی بهره‌برداری می‌کنند افزون بر آن حدود ۱۰۰ خانوار از زمینداران دشتیاری و باهوکلالت که مساحت زمینهای هر خانوار بیش از صد هکتار است، در شهر چابهار سکونت دارند که دارای مغازه و لجنهای صیادی و تجاری هستند و زمینهای خود را به شیوه نظام سهمبری مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند. حدود هشت خانوار چنین مالکانی نیز در شهر کنارک زندگی می‌کنند و زمینهای آنها در ناحیه کهیر واقع است.

نظام بهره‌برداری از زمین

سه نوع نظام بهره‌برداری از زمین در ناحیه رواج دارد:

۱. بهره‌برداری خانوادگی با مالکیت فرد بهره‌بردار، که از نیروی کار خانواده و نیروی کششی دام در کشاورزی استفاده می‌کند (۹) و گاهی از طریق اجاره تراکتور و یا استخدام نیروی کار مزدبگیر، امر کشت و کار انجام می‌شود.

۲. نظام سهمبری که به صورتهای مختلف در ناحیه رایج است. در دیمکاریها یک ششم

محصول سهم اربابی و پنج ششم آن به مزارع تعلق دارد. اما اگر احداث مرزهای «دگار» و آبیگری آن را مالک زمین انجام داده باشد، یک سوم محصول به زارع سهم‌بر و دوسوم آن به مالک می‌رسد. رابطه نشان می‌دهد که احداث مرزهای «دگار» و مرمت آن اهمیت زیادی در کشاورزی ناحیه دارد.

در موزکارهای ناحیه «عورکی» تمامی امور کشاورزی را کشاورز انجام می‌دهد. مالک، زمین، گازوئیل، کود و پمپ آب را تأمین می‌کند. در این صورت محصول بین مالک و زارع نصف می‌شود یعنی بعد از فروش محصول، درآمد آن به تساوی بین مالک و زارع تقسیم می‌شود. در کشت پیاز و گوجه هم نصفه کاری رایج است. در فعالیتهای جنبی ناحیه (صیادی) نیز سهم‌بری، مبنای بهره‌برداری است.

۳. نظام مزدبگیری یا روابط سرمایه‌داری را در اراضی آبی حوزه کهیر و در محصولات باغی رواج دارد. بنابراین ناحیه شاهد ترکیبی از نظامهای پیش از سرمایه‌داری تا روابط سرمایه‌داری ارضی است.

نظام اعتباری

با اینکه بیشتر کشاورزان و ماهیگیران ناحیه به اقدامات حمایتی احتیاج دارند ولی در بیشتر موارد برای دریافت وام به منابع خصوصی مراجعه می‌کنند. دریافت وام از منابع دولتی و بانکها با اقبال روبه‌رو نمی‌شود و شرایط سخت گرفتن وام، دارای نقش مهمی در پی‌توجهی روستاییان نسبت به منابع اعتباری رسمی است. به همین دلیل در سال ۱۳۷۳ از سوی شرکت تعاونی روستایی به کشاورزان وامی داده نشده زیرا کشاورزان وام دریافتی سال ۱۳۷۲ را پرداخت نکرده بودند، وام دریافتی نیز صرف امور غیرزراعی شده بود (۱۰) در صورتیکه اعتبار باید از میزان کافی برخوردار باشد تا بتواند احتیاجهای تولیدی کشاورزان را بر طرف سازد. میزان اعتبار باید با نرخ بهره کم افزایش یابد و دریافت آن در ارتباط با تولید باشد و محدوده اعتبار باید به جای وسعت مزرعه کشاورز، در رابطه با برنامه تولیدی وی باشد (۱۱).

سنخ کشت

منظور از سنخ کشت، هدف اقتصادی آن است. در ناحیه چابهار، خود مصرفی هدف بیشتر کشتهای سنتی است. در این میان فقط خرما تا حدی روانه بازار می‌شود که بیشتر به وسیله ملوانان بومی برای استفاده در داخل دریا خریداری می‌شود. گاهی نیز برای ادغام با خرمای معروف بم و ارائه مجدد به بازار خریداری می‌شود.

از کشتهای آبی بازار فروش سبزیجات و مرکبات در خود ناحیه است این محصولات در نقاطی مثل «عورکی» به دلیل دوری راه و مشکل حمل و نقل از بین می‌رود که در بهمن ماه ۷۶ شاهد اتلاف محصول گوجه و کدو در ناحیه بودیم.

محصول «موز» به وسیله کامیون و یا وانتبار، بدون بسته‌بندی حمل می‌شود و چون از نظر ظاهری شبیه محصول مشابه پاکستانی است، جهت حمل به شهرهای بزرگ به دلیل ممنوعیت ورود موز خارجی با مشکل روبه‌روست همچنین افراد از بازداشت موز در مسیر راه چابهار به زاهدان شکایت داشتند.

زیتون به شهرهایی مثل بندرعباس و اصفهان حمل می‌شود. در اینجا نیز مثل سایر نقاط کشور شاهد حضور واسطه‌ها و دستگردانی شدید کالا هستیم.

فعالیت‌های جنبی

الف. صید و صیادی

صید و صیادی فعالیت مشترک کلیه سکونتگاههای ناحیه و شغل بیشتر مردم سکونتگاههای مستقر در سواحل نظیر گواتر، بریس، پسابندر، رمین، چابهار، طیس، کنارک، پزم، تنگ و ... است. در این سکونتگاهها در طول ۱۰ ماه از سال به صید در دریای عمان مشغولند و دو ماه تیر و مرداد که به دلیل وزش بادهای موسمی، توفان دریا، فعالیت‌های صیادی را محدود می‌کند به مرمت شناورها و تورهای صیادی می‌پردازند.

با اینکه دریا مملو از انواع ماهیهای سنگر، سرخو، سارم، هور، شوریده، حلوا، شاه میگو

است ولی سیستم قدیمی و ابتدایی، صید در فصلهای خاصی را میسر می‌سازد. قایقهای ماهیگیری آنقدر مجهز نیستند که در مقابل امواج دریا در فصل تابستان مقاومت کنند، بنابراین فصل صید در عمل بستگی به وضع دریا دارد و نیز تحت تأثیر عواملی چون عوامل جوی است، به همین دلیل نیمی از سال را که دریا در آرامش بیشتری به سر می‌برد، صیادان نیز تمام فعالیت خود را در زمینه ماهیگیری معطوف به همین فصلها می‌کنند و این فصلها شامل پاییز، زمستان و بهار است. شیوه صید به صورت انتظاری است و صیادان، تورها را عصرها به آب انداخته و تا صبح به انتظار ماهی می‌مانند. تورهای ماهیگیری به وسیله لنجهای کوچک و قایقهای چوبی یا «قایرگلاس» به دریا برده می‌شوند این لنجها گاهی مجهز به بیسیم و قطبنا هستند.

صیادان برای جلوگیری از فساد ماهی از جعبه‌های یخی استفاده می‌کنند که از ساحل به همراه خود می‌برند. حداکثر برد لنجها ۹۰ - ۱۰۰ مایل دریایی است در حالی که پاکستانیها، کره‌ایها و ژاپنیها در هسایگی، با کاربرد شیوه‌های مکانیزه در آبهای ساحلی ما به صیادی می‌پردازند و مشکلاتی برای صیادان ناحیه بوجود می‌آورند (۱۲). روابط تولیدی برپایه سهمبری است. به دلیل بالا بودن قیمت شناورها و لنجها، اکثریت صیادان توان خرید لنج را نداشته و روی لنجهای مالکان به شیوه سهمبری صیادی می‌کنند. مالکان لنج بیشتر از افرادی هستند که در بخش تجارت با پاکستان و کشورهای خلیج فعالیت دارند. سهم کارگران لنج در محصول به دست آمده بعد از کسر هزینه، یک سوم محصول است که به تساوی بین کارگران لنج که حدود ۵ تا ۸ نفر است، تقسیم می‌شود.

ماهیگیران در شرکت تعاونی عضویت دارند ولی به دلیل توزینهای غلط، فسادپذیری ماهی، کارمزدهای غیر قانونی، ناتوانی در تعیین قیمت ماهی، وجود واسطه‌های گوناگون و گرانی هزینه‌های ابزار آلات، یخ و آب شیرین، زندگی مطلوبی ندارند. و بیشتر اوقات وامدار دلالان و خریداران هستند.

ب. دامداری

دام در ناحیه به عنوان رکن اقتصادی مطرح نیست بلکه نگهداری چند رأس دام به منظور استفاده از شیر و دوغ و یا به کارگیری از نیروی کار گاو در شخم زدن مزارع و بهره برداری از شتر و الاغ جهت باربری رایج است. این دامها از گاه، جو و ذرت استفاده می کنند و گاهی نیز به وسیله چوپان مزد بگیر، دام خانواده های مختلف، به صورت گروهی به مراتع جهت چرا فرستاده می شوند.

دوم: مرفولوژی زراعی

در این بخش در راستای هدف پژوهش به عناصری از مرفولوژی زراعی اشاره می شود که می تواند بیانگر نوع کشت و تحول آن باشد:

کشت خرما جز در باغهای نخل قدیمی که پسروی آن آشکار است، به حاشیه مزارع و حاشیه هوتکها^۱ محدود می شود.

موز و پیاز و گوجه به صورت تراسهای دارای مرز کشت شده اند. این تراسها به صورت نوارهای مستطیل شکل هستند. آبیاری غرقابی محصولات یاد شده، علت پیدایش چنین اشکالی است. در میان مزارع برجستگیهای چاه آب و کومه مربوط به پمپ دیده می شود مزارع باز بوده زیرا چرای آزاد دام وجود ندارد در مواردی نیز مانند باغهای کهن، دیوارهای خاکی و یا دیوارهای مرکب از خاشاک و همچنین سیم خاردار باغها را محصور می کند.

کشتهای سنتی در داخل «دگار» کاشته می شوند که به صورت زمینهای مسطح دارای مرزهای مشخص خودنمایی می کند.

بنابراین گسترش کشتهای آبی و استفاده از آب زیرزمینی به وسیله پمپ برای آبیاری مزارع نشاندهنده تحول و نوآوری در کشت ناحیه محسوب می شود.

۱. هوتک (hootak) چاله ای است که روستاییان برای جمع آوری آب باران بنا می کنند تا از آب آن برای شرب خانوار و مصرف دام استفاده نمایند

سوم: مجموعه مساکن، منظور از مسکن خانه و ضامم آن است که نقش تولیدی و سرپناهی دارد. در ناحیه مورد مطالعه خانه‌ها به صورت «کیرا» و متشکل از دو اتاق است. که یکی اختصاص به نشیمن و دیگری به اصطلاح آشپزخانه است. محل استقرار احشام در کپره‌های جداگانه‌ای در محوطه مساکن وجود دارد. ضامم خانه‌ها که مربوط به تولید منحصراً به کومه‌های ماهیگیری در سواحل می‌شود بنابراین کشتهای تجارقی به سر مزرعه جهت فروش حمل می‌گردند و کشتهای سنتی نیز از نظر کمیت بقدری نیستند که احتیاج به انبار داشته باشد. از نظر بهداشتی مساکن وضع نامناسبی دارند. از مصالح نامرغوب بنا می‌شوند و از استحکام لازم برخوردار نیستند.

تحلیل داده‌ها

عوامل مؤثر در ساخت زراعی ناحیه

ساخت زراعی ناحیه بیانگر توسعه نیافتگی است. نظام زراعی ویژگیهای کشت معیشتی را داراست (۱۳). به طوری که مزارع کشاورزی کوچک شامل کرت‌های پراکنده در چشم‌انداز زراعی ناحیه خودنمایی می‌کند. ادوات سنتی از قبیل خیش و کج بیل در بیشتر اوقات به کار گرفته می‌شود. کشت اصلی ناحیه غلات است که بخش اعظم آن به منظور مصرف داخلی خانوار تولید می‌شود و تنها بخش بسیار کوچکی به فروش می‌رسد. کشاورزان در فروش محصولات خود با محدودیت بازار، مشکل حمل و نقل و گرانی هزینه آن روبه‌رواند. انتقال موز ناحیه به شهرهای داخلی کشور با موانع قانونی روبه‌روست. نبود امکانات نگهداری محصولات فاسد شدنی (گوجه، کدو و ماهی)، نبود انبار و بسته‌بندی محصول، بی‌خبری از آمار و قیمت موثق، توزینهای غلط، کارمزدهای غیرقانونی از مشکلات کشاورزان ناحیه است. کشاورزی مبنایی خانوادگی دارد. بیشتر نهاده‌ها را کشاورزان فراهم می‌کنند. بقایای شیوه‌های تولید پیش از سرمایه‌داری، شامل سهمبری، و تفاوت درآمد زیاد، میان کشاورزان ناحیه رواج دارد. نبود مؤسسات اعتباری و

عوامل مؤثر در ...

پرداخت وام با شرایط سنگین، نبودن نظارت در مصرف وام و مشکل دریافت وام‌های پرداختی، توسعه کشاورزی را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. نگهداری دام به منظور استفاده از نیروی کار آن رایج است. روستاییان دام‌های ارباب را که ساکن شهر چهار هستند، به طور شریکی نگهداری می‌کنند.

صید و صیادی فعالیت مشترک تمامی سکونتگاه‌های ساحلی است که با استفاده از ادوات سنتی صورت می‌گیرد. صید انتظاری رایج بوده و روابط تولید سهمبری در صیادی غلبه دارد. بازار عرضه ماهی در ساحل در اختیار صیاد نیست. فسادپذیری بسیار زیاد ماهی نبود پستوانه مالی و تأسیساتی لازم برای نگهداری و انجماد ماهی از سوی تعاونی‌های صیادی و حاکمیت نظام سنتی خرید و جمع‌آوری ماهی دست به دست هم داده و بازار ماهی را از اختیار صیاد خارج کرده است. بنابراین صیاد و امदार دلان و خریداران است.

وجود چند کشتی، کومه‌های مربوط به چاه آب، هوتکهای جمع‌آوری آب باران برای مصرف دام و شرب افراد، مسکنهای سنتی، کومه‌های ماهیگیری، وضع نامناسب بهداشتی، تعبیه و نورگیری مساکن، و ... نشانه‌هایی از توسعه نیافتگی ناحیه است. بنابراین از ویژگی‌های کشاورزی نوین، یعنی ارائه روشهایی برای حفظ و نگهداری محصولات فاسدشدنی مانند کنسرو کردن و منجمدسازی، فراوری تولید از مزرعه به کارخانه و اینکه کشاورزی مواد خام صنایع را تولید کند، (۱۴) وجود ندارد.

تحقیقات دولتی در کشاورزی و استفاده از نتایج تحقیقات جایگاهی ندارد. درآمد کشاورزان نسبت به درآمد شاغلان دیگر بخشهای اقتصادی بخصوص تجارت و بازرگانی ناچیز است. دولت در پیدایش هاهنگی بین قیمتها نقشی ندارد. خدمات زیربنایی دولت در مهار آبهای روان نامطلوب است به این ترتیب مشخص می‌شود که توسعه کشاورزی و در نتیجه توسعه روستایی در ناحیه با مشکلاتی روبه‌روست و تحول مثبتی در ساختار زراعی آن دیده نمی‌شود.

عاملهای مؤثر در توسعه نیافتگی روستایی و ساختار زراعی ناحیه

در جهت جستجوی عوامل مؤثر در توسعه نیافتگی ساختار زراعی ناحیه، با مراجعه به ۴۰۰ کشاورز در نقاطی مانند زرآباد، کهیر، نگور و عورکی که به طور تصادفی انتخاب شده بودند، پرسش زیر بررسی شد:

به چه دلایلی کشاورزی ناحیه عقب مانده و تحول سازنده‌ای در ساختار زراعی دیده نمی‌شود؟

پاسخ پرسش به وسیله گفتگو با کشاورزان و توضیحات آنان به دست آمد و در جدول شماره ۳ مرتب شده است.

چنانچه جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، ۹۵ درصد کشاورزان، ناهماهنگی سازمانهای دولتی را علت توسعه نیافتگی ذکر کرده‌اند. بیش از ۹۱ درصد معتقدند که توسعه نیافتگی آنان معلول بی‌ثباتی قوانین و نبود اجرای اصولی قوانین مربوطه و دخالت علتها با نفوذ در اجرای قوانین است. از نظر کشاورزان بالا بودن هزینه تولید، نقش مهمی در رکود کشاورزی ناحیه به عهده دارد. نبود اقدامات پشتیبانی و حمایتی و سودآوری زیاد مشاغل تجاری و بازرگانی از دیگر مشکلات کشاورزان ذکر شده است. به دلیل کمبود منابع در دسترس آب، ۸۰ درصد اهالی استفاده نامطلوب و اتلاف آب زراعی را ضایع کننده زحمت کشاورزان می‌دانند. به نظر این کشاورزان، کمبود ماشین آلات اهمیت چندانی ندارد بلکه گرانی هزینه استفاده از ماشین آلات و نبود هدفی مشخص مانع استفاده از ماشین آلات است همچنین از دیدگاه آنان، کمبود نیروی انسانی ماهر و کمبود سرمایه را نمی‌توان علت توسعه نیافتگی کشاورزی ناحیه دانست زیرا جوانان و سرمایه‌دارانی را می‌بینند که کشاورزی و ناحیه را ترک کرده و در مواردی در کشورهای عربی خلیج فارس سرمایه‌گذاری می‌کنند و متأسفانه در برخی مشاغل پست در آن کشورها نیز به کار می‌پردازند.

جدول شماره ۳، عوامل مؤثر در توسعه نیافتگی ساختار زراعی ناحیه از نظر

کشاورزان

درصد	پاسخ/تعداد	عوامل مؤثر در توسعه نیافتگی زراعی ناحیه
۹۵	۳۸۰	ناهماهنگی سیاست سازمانهای دولتی
۹۱/۲۵	۳۶۵	بی ثباتی و عدم اجرای قوانین
۵۲/۵	۲۱۰	نبود بازار فروش
۷۶/۲۵	۳۰۵	نبود ماشین آلات
۳۷/۵	۱۵۰	گرانی هزینه ماشین آلات و نهاده
۲۲/۵	۳۹۲	نبود سرمایه
۲۰	۸۰	نیروی کار ماهر و آشنایی با شیوه نو
۴۰	۱۶۰	نبود راه و حمل و نقل مناسب
۸۷/۵	۳۵۰	رقابت مشاغل دیگر
۴۶/۲۵	۱۸۵	کمبود آب زراعی
۸۵	۳۲۰	استفاده ناصحیح از آب زراعی

تحلیل داده‌ها

با توجه به ویژگیهای ارائه شده از ساخت زراعی ناحیه در این مقاله، توسعه نیافتگی روستایی مشخص است. با عنایت به مدارک و شواهد و نیز یافته‌های مشخص می‌شود که توسعه نیافتگی ناحیه ریشه در عوامل ساختی دارد و به شرح زیر بررسی می‌شود:

ساخت نهادهای سیاسی (حکومتی)

در کشور ماهر وزارتخانه به طور مستقل و در راستای یک سلسله مراتب عمودی عمل می‌کند. وزارت کشاورزی خود را مسئول به حداقل رساندن قیمت برای مصرف‌کننده و به حداکثر رساندن سود برای تولیدکننده می‌داند (۱۵)، وزارت کار خود را مسئول تولید شغل می‌داند. وزارت بازرگانی اقدام به وارد کردن مواد غذایی می‌کند. وزارت کشاورزی،

کشاورزان را جهت گرفتن وام به سیستم بانکی معرفی می‌کند ولی سیستم بانکی از پرداخت وام ابا دارد چون پرداخت وام در بخشهای دیگر سودآورتر است (۱۶).

سیستم تعدد سازمانی (بخشی) نمی‌تواند جوابگوی نیازهای جامعه روستایی با شرایط موجود باشد سیستم متمرکز حکومتی و روابط متکی بر سلسله مراتب از کارایی لازم برخوردار نیست و تعمیم نابرابری در جامعه توان لازم برای پدید آوردن جامعه‌ای هوادار وحدت و پویا را سلب می‌کند (۱۷). عزم راسخ، پویایی، شوق کار کشاورزی و نوآوری در تولید جایگاهی ندارد. غلبه بر این مشکلات نیازمند جنبشی بنیادی جهت پیدایش سازماندهیهای نوین، شامل اداری یا اقتصادی و سیاسی با عنایت به فرهنگها و ارزشهای بومی است.

بخش عظیمی از جمعیت روستایی ناحیه، دارای قدرت خرید نیستند و چون روش تولید، شیوه و نوع مصرف را معین می‌کند (۱۸)، این جمعیت از توان لازم برای ایجاد تحرک و تلاش در زندگی برخوردار نبوده و در نتیجه نمی‌تواند موجب تحول ساختار نظام زراعی شود (۱۹).

سیستم اقتصادی

به دلیل نبودن امکانات حفظ و نگهداری تولیدات فاسد شدنی، نبود اطلاع از آمار قیمتها، توزینهای غلط و کارمزدهای غیرقانونی، تولیدکننده با مشکل روبه‌روست. با آنکه اکثر کشاورزان و ماهیگیران به اقدامات حمایتی محتاجند، در بیشتر موارد برای دریافت وام به منابع خصوصی مراجعه می‌کنند. شرایط و ضوابط سخت گرفتن وام، ترس کشاورز از بازپرداخت اقساط وام، موجب بی‌توجهی روستاییان نسبت به منابع اعتباری رسمی است و شرکت تعاونی روستایی به دلیل اینکه وصول وامهای پرداختی با مشکل روبه‌رو می‌شود، از پرداخت آن خودداری می‌کند. نیازمندیهای متعدد روستاییان سبب می‌شود که وام دریافتی را صرف امور غیرزراعی کنند در نتیجه مکانیزه کردن زراعت با مشکل روبه‌رو می‌شود. از نهادهای کشاورزی و ماشین آلات استفاده مطلوب به عمل نمی‌آید از سوی دیگر در سطح کشور کمبود تولید ماشین آلات وجود ندارد. برای نمونه کارخانه تراکتورسازی ظرفیت تولید ۱۷ تا ۱۸ هزار

عوامل مؤثر در ...

دستگاه در سال دارد، ولی تولید خود را در سطح سه هزار دستگاه محدود می‌کند یا کارخانه کمباینسازی توانایی ساخت ۸۰۰ دستگاه را در سال دارد ولی چون قیمت آن دوازده میلیون تومان است، کشاورز توان خرید نداشته و این کارخانه سالیانه فقط ۱۴۰ دستگاه تولید می‌کند در نتیجه هزینه سربار کارخانه روی تولیدات اندکی سرشکن می‌شود و هزینه سرانه تولید را افزایش می‌دهد. به دلیل سیاستهای انقباضی بسیار شدید سیستم بانکی، از صد میلیارد تومان اعتباری که برای آبیاری از اول سال ۱۳۷۶ تخصیص یافته بود، تا آخر آبانماه یعنی ظرف مدت شش ماه فقط ۲۶۵ میلیون تومان یا ۲/۷ در هزار هزینه شده است (۲۰) یعنی سیستم بانکی به دلیل سوددهی وام در بخشهای دیگر از جمله تجارت به بخش کشاورزی وام نمی‌دهد در نتیجه کشاورزان در ناحیه مورد مطالعه وامدار دلان و واسطه‌های متعدد هستند.

از این رو نمی‌توان نبود سرمایه را عامل عقب‌ماندگی ناحیه دانست زیرا سرمایه نه یک پدیدار مادی است و نه یک متغیری مستقل از نظام اقتصادی، زیرا در چارچوب نظام اقتصادی معینی است که سرمایه به عنوان یک پدیدار انسانی و اجتماعی به وجود می‌آید و مفهوم پیدا می‌کند. سرمایه تنها در چارچوب نظام اقتصادی مبتنی بر بازار متشکلی منتهی شود در این صورت گسترش تقسیم کار و تخصصی شدن تولید سبب می‌شود که تقاضا برای سرمایه‌گذاری به وجود آید و به دنبال تقاضا برای سرمایه‌گذاری است که تشکیل سرمایه صورت می‌گیرد همچنین سرمایه متغیری مستقل از نظام اقتصادی نیست. در این صورت سرمایه‌گذاران محلی که در کشورهای عربی خلیج فارس سرمایه‌گذاری می‌کنند کم نیستند. سایر عوامل تولید مانند نیروی کار و فن‌آوری نیز وضعیتی مشابه سرمایه دارند یعنی همگی معلول فرایند توسعه هستند. همچنانکه سرمایه در شرایط و نظم اقتصادی مناسب، باز تولید شده و رشد می‌یابد، فن‌آوری و نیروی کار متخصص و کارآمد نیز چنین است. پیشرفت فن‌آوری جریانی علمی، فنی و در عین حال اقتصادی است، از این رو علوم و فنون پیشرفته به تنهایی به دستاوردهای فن‌آوری منجر نمی‌شود و وارد کردن فن‌آوری از یک جامعه با نظم اقتصادی معین به جامعه دیگر، با نظم اقتصادی متفاوت، همانند وارد کردن علوم و فنون نیست و آثار و تبعات یکسانی ندارد. نیروی

کار متخصص نیز در نظام اقتصادی مناسب است که می تواند کارآمد باشد در غیر این صورت به خودی خود و به طور مجرد یا در شرایط نامناسب منشأ اثر چندانی نمی تواند واقع شود (۲۱).
نتیجه: نظام اقتصادی و نقش تعیین کننده نهادها در شکلگیری فرایند توسعه اقتصادی پایدار، از عوامل اصلی توسعه پایدار است که در کشور ما و ناحیه مورد مطالعه مورد غفلت بوده است.

منابع

۱. تودارو مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، چاپ چهارم، نشر سازمان برنامه و بودجه سال ۱۳۶۸، ص ۴۱۴ - ۴۱۵
۲. ورشه گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوق، نشرنی، سال ۶۶، ص ۴۰
۳. لوبور، بنیادهای زراعی در جهان، ترجمه محمود محمودپور، دانشگاه تبریز، سال ۱۳۵۴، ص ۸.
۴. دولفوس. اولیویه، تحلیل جغرافیایی، ترجمه سیروس سپاهی، نشر نیکا، مشهد، سال ۱۳۷۰، ص ۶۹.
۵. لوبور، بنیادهای زراعی در جهان، ص ۹.
۶. همان منبع.
۷. جانب‌الهی. محمد سعید، «نقش اقتصادی نخل در زندگی بلوچ»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۲، ص ۶۹ - ۱۰۲.
۸. جانب‌الهی. محمد سعید، نقش اقتصادی نخل در زندگی بلوچ.
۹. ازکیا. مصطفی، جامعه‌شناسی توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، سال ۱۳۶۵، ص ۲۶۲.

۱۰. طلب. مهدی، «واحد‌های بهره‌برداری خانوادگی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مشهد، شماره سوم، سال بیست‌یکم، اسفند ماه ۱۳۶۴، ص ۳۷۵ - ۴۲۸.
۱۱. رئیس سازمان تعاون روستایی چابهار، مجله کشاورزی، تیرماه ۱۳۷۲، شماره ۱۸۷، ص ۷۶.
۱۲. سینگ. جاسپر، اس.اس. دیلون، جغرافیای کشاورزی، ترجمه سیاوش دهقانیان و دیگران، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۴، ص ۲۸۱.
۱۳. طرح‌های روستای گواتر، مهندس مشاور احیا و توسعه، وزارت جهادسازندگی، تابستان ۱۳۷۲، ص ۷۵.
۱۴. سینگ. جاسپر، اس.اس دیلون، جغرافیای کشاورزی، ص ۴۶۴.
۱۵. گریک. دیوید، مقدمه‌ای بر جغرافیای کشاورزی، ترجمه عوض کوچکی و دیگران، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۷۵، ص ۱۲۷.
۱۶. کلانتری. عیسی، مجله سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۲۵ - ۱۲۶، بهمن و اسفند ماه ۱۳۷۶، ص ۱۶۲.
۱۷. کلاوال. پل، جغرافیایی نو، ترجمه سیروس سهامی، سال ۱۳۷۳، نشر چاپ مشهد صص ۱۲۵ - ۱۲۷.
۱۸. هاروی. دیوید، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، نشر پردازش، سال ۱۳۷۶، ص ۲۳۲.
۱۹. خادم‌آدم. ناصر، «ایجاد تحول در نظام بهره‌برداری کشاورزی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۹ - ۱۲۰، سال ۱۳۷۶، ص ۱۷۴ - ۱۸۵.
۲۰. کلانتری. عیسی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۵ - ۱۲۶.
۲۱. غنی‌نژاد. موسی «نقدی درباره نظریات رایج توسعه نیافتگی»، راه نو، شماره ۱، اردیبهشت ماه ۱۳۷۷، ص ۲۴ - ۲۶.